

نظم و پیوستگی آیات سوره مطففین با نگاهی به مدل نیل رابینسون

احمد ربانی خواه^۱ (استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
 زهرا قربانی^۲ (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور مرکز نیشابور)

DOI: [10.22034/jilr.2024.141478.1173](https://doi.org/10.22034/jilr.2024.141478.1173)

تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

صفحات: ۱۱۱-۱۳۱

تاریخ القبول: ۲۰۲۴/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

چکیده

مناسبت میان آیات و سوره قرآنی از دیرباز تحت عناوینی چون نظم و دانش تناسب مطرح شده و سپس با وحدت موضوعی سوره‌ها تداوم یافته است. آن چه در بسیاری از آثار تفسیری و علوم قرآنی دیده می‌شود این است که مولف نظریه خود را در قالب مثال‌های قرآنی بیان می‌کند بدون اینکه به اصول و مبانی روش خویش اشاره کند. اما در چند دهه اخیر پژوهش‌هایی پیرامون ربط و پیوستگی آیات صورت گرفته که گرایش زبان‌شناختی داشته و با بهره‌گیری از روش علمی، به تبیین موضوع پرداخته‌اند. نیل رابینسون از جمله قرآن پژوهانی است که می‌توان بر مبنای روش علمی او و با استفاده از تحلیل بلاغی که روشی در تحلیل متون است، ساختار معکوس و متقارن برخی از سوره‌های بلند مدنی را نشان داد و آن را رهاورد مدل تحلیلی رابینسون قلمداد کرد. با توجه به اهمیت بهره‌گیری از روش‌های زبان‌شناسانه در تحلیل پیوستگی متن قرآن کریم و جایگاه موضوع در مطالعات قرآن پژوهی معاصر، پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری با بهره‌گیری از شیوه توصیفی تحلیلی کوشیده است، پس از تعیین بخش‌های سوره، با استفاده از واژگان قلاب‌دار، ارتباط بخش‌های متوالی با یکدیگر را نشان دهد. همچنین به ساختار متقارن سوره مطففین و الگوی نظم معکوس شامل: 'A B B' A' B' B' A' با نظر به مدل رابینسون دست یابد. نظر به برخی گفتگوها در مکی و مدنی بودن سوره مطففین، در سایه تبیین پیوستگی آیات سوره مطففین با تکیه بر نشانه‌های لفظی و واژگان کلیدی موجود با مدل تحلیلی رابینسون، مکی بودن سوره تقویت شده است.

کلیدواژه‌ها: سوره مطففین، پیوستگی آیات، رابینسون، نظم معکوس

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: rabbani_kh@pnu.ac.ir

^۲ پست الکترونیک: zg684643@gmail.com

ترتيب واستمرارية آيات سورة المطففين مع نظرة على نموذج نيل روينسون

الملخص

وفى القرن العشرين، عندما تم طرح آراء بعض الغربيين فيما يتعلق بالقراءة المنفصلة لآيات القرآن، تم ربط واستمرارية الآيات، والتي نوقشت قديماً تحت عناوين مثل الترتيب وعلم التوقيت، تم دفعهم نحو الوحدة الموضوعية للسور. وفى العقود القليلة الماضية، كان لدى معظمهم منهج لغوى، وقد فسر المفكرون فى مجال الدراسات القرآنية استمرارية الآيات القرآنية باستخدام الأساليب العلمية الشائعة والحديثة. نيل روينسون هو أحد علماء القرآن الذين أظهروا البنية المعكوسة والمتماثلة لبعض السور المدنية الطويلة اعتماداً على منهج جديد وباستخدام التحليل البلاغى وهو أسلوب من أساليب تحليل النص. نظراً لأهمية اعتماد الأساليب اللغوية فى تحليل استمرارية نص القرآن الكريم ومكانة الموضوع فى الدراسات القرآنية المعاصرة، فضلاً عن عدم الإجماع على المكية والمدنية لسورة المطففين فى الوقت الحاضر وفى هذه الدراسة جرت محاولة لتفسير إمكانية استمرارية آيات سورة المطففين مع استخدام نموذج نيل روينسون. بعد تحديد أقسام السورة، يتبين من خلال استخدام الكلمات الخطابية أن الأقسام المتتالية مرتبطة ببعضها البعض، والبنية الحاكمة لهذه السورة هى بنية متماثلة، ونمط الترتيب العكسى فى هذه السورة هو: $A B B' A' B'' A''$ كما أنه بالاعتماد على الإشارات اللفظية والكلمات المفتاحية المتوفرة بنموذج روينسون التحليلى يتم تعزيز مكية سورة المطففين.

الكلمات المفتاحية: سورة المطففين، تواصل الآيات، روينسون، الترتيب العكسى

مقدمه

کشف پیوستاری متن قرآنی و نگریستن به نظام واحد بیانی قرآن دغدغه دیرین دین پژوهان و مفسران کلام وحی بوده است. «پیوستگی»^۱ در لغت، مقابل گشادگی، در معنای جدایی، گسستگی و انفصال به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴) و پیوستگی در متون، از مباحث مطرح در حوزه دانش زبان‌شناسی است که به مطالعه علمی زبان می‌پردازد (ماتیوز، ۱۳۸۹: ۲۲).

نخستین نشانه‌های پی‌جویی ارتباط و پیوستگی آیات را می‌توان در مباحث کلامی اعجاز قرآن از طریق «نظم موجود میان واژگان و عبارات آیات» در آثار افرادی چون «ابوبکر اقلانی» (د، ۴۰۳ ق) و «عبدالقاهر جرجانی» (د، ۴۷۱ ق) مشاهده کرد. این رویکرد، با گذشت زمان از آثار کلامی به تفاسیر راه پیدا کرده و مفسرانی چون طبرسی در مجمع‌البیان، فخر رازی در تفسیر کبیر «ارتباط درون یک آیه»، «ارتباط میان آیه با فرازهای پیش و پس از آن» و حتی «ارتباط یک سوره با سوره قبل و بعد یا گروهی از سوره‌ها» را در آثار خود نشان داده‌اند. در دوره معاصر، نوع نگاه به پیوستگی آیات توسعه یافت و توجه قرآن‌پژوهانی مانند اشرف علی تهانوی، حمیدالدین فراهی، سید قطب، علامه طباطبایی و سعید حوی به «سوره به مثابه یک کلیت واحد» یا «انسجام و وحدت سوره‌های قرآن کریم» معطوف شد. در دهه‌های اخیر نیز تعدادی از نویسندگان غربی کوشیده‌اند سوره‌های قرآن را به مثابه واحدها یا به‌گونه‌ای که دارای پیوستگی معنایی، موضوعی و ساختاری هستند. از میان این قرآن‌پژوهان غربی می‌توان به ماتیس تسانیزر، نیل رابینسون، سلوی محمد العوی و میشل کوپرس اشاره کرد. (توکل محمدی، ۱۳۹۶: ۹) پژوهش حاضر به هدف تبیین و توضیح مدل نیل رابینسون در باب پیوستگی آیات قرآن و بیان پیوستگی آیات سوره مطفین سامان یافته است. سوره مطفین جزء سوره‌های مفضلات است و به دلیل آغاز سوره با واژه مطفین بدین اسم، نامگذاری شده است. درون مایه سوره درباره تهدید کم‌فروشان است و در فرجام آن از ابرار و نیکان سخن به میان آمده است. در این سوره به سه گروه فجّار و ابرار و مقربان اشاره شده است. هدف اصلی سوره، یادآوری رستاخیز و عذاب‌ها و نعمت‌های آن روز است.

بیان مسئله

دعوت قرآن کریم به تدبر در آیات کتاب و حیانی از سوئی و تأکید پیشوایان دین بر شیوه تفسیر قرآن به قرآن در روایات از سوی دیگر، گویای وجود یکپارچگی موضوعی و محتوایی میان آیات قرآن در یک سوره و در کل قرآن است. دانشی که از گذشته‌های دور تا کنون با عنوان تناسب آیات و سور قرآنی مورد بحث و بررسی بوده است. دیدگاه گذشتگان در زمینه تناسب و پیوستگی آیات قرآن چندان روشمند و علمی ارائه نشده است. ایشان بیشتر به ارائه مثال‌های قرآنی برای تبیین

¹ cohesion

ارتباط آیات بنسده کرده‌اند و قوانین زیربنایی حاکم بر آن را اشاره و تبیین نکرده‌اند (صانعی پور و لطفی، ۱۳۹۵: ۱۸). این در حالی است که به کارگیری روش‌های علمی می‌تواند دامان قرآن را از هرگونه اشکال و ایراد در ناپیوستاری متنی پاک کند و شبهات مستشرقانی که تنها از طریق ترجمه‌های قرآن با کلام الهی آشنا شده‌اند را پاسخ گوید.

تلاش‌های برخی اندیشه‌وران حوزه زبان‌شناسی نظیر نیل رابینسون در جهت تبیین پیوستگی آیات قرآن با بهره‌گیری از روش‌های علمی، این امکان را فراهم می‌آورد تا پیوستگی آیات قرآن را در سوره‌های مختلف تحلیل و بررسی کرد. این نوشتار در پی اثبات و تبیین پیوستگی آیات قرآن در سوره مطففین با بهره‌گیری از دیدگاه رابینسون است.

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری بر آن است تا با شیوه توصیفی تحلیلی ضمن بیان دیدگاه زبان‌شناسانه رابینسون یافته علمی وی را در سوره مطففین پیگیری کند.

پیشینه پژوهش

هرچند بحث از پیوستگی در قرآن در قالب بیان ارتباط خطی آیات، دسته‌بندی گروهی از آیات و بیان اهداف و مقاصد کلی سوره از دیرباز مطرح بوده، اما تبیین آن با بهره‌گیری از دستاوردهای جدید دانش زبان‌شناسی سابقه چندانی ندارد. افزون بر مقالاتی که صرفاً به دیدگاه نیل رابینسون پرداخته‌اند، کارهای علمی انجام‌شده در این زمینه عبارتند از:

- مقاله «آسیب‌شناسی پژوهش نیل رابینسون درباره دجال» نوشته حسن رضایی‌هفتادری و سیفعلی زاده‌دی‌فر (۱۳۹۴) که مولفان با روش توصیفی-تحلیلی به معرفی و آسیب‌شناسی مقاله دجال در «دایره المعارف لیدن» پرداخته‌اند.
- ابراهیم اقبال، عماد صادقی و ابوذر خیراندیش (۱۳۹۴) در مقاله «تاریخ‌گذاری سوره مطففین (موردپژوهی مکی یا مدنی بودن سوره مطففین و نقش آن در تفسیر)» با جمع‌گردآوری روایات و اقوال گوناگون و تحلیل و نقد آنها، بر تشدید مکی بودن سوره مطففین نظر داشته و به تاریخ‌گذاری صحیح آن پرداخته‌اند.
- رساله دکتری نرجس توکلی محمدی با عنوان «تحلیل انتقادی مبانی و روش نیل رابینسون در باب پیوستگی متن (تناسب) قرآن کریم» (۱۳۹۶). نگارنده در این پژوهش با روش تحلیلی-انتقادی به استنباط و استخراج مبانی و روش رابینسون در اثبات پیوستگی متن قرآن و تحلیل و ارزیابی کارآمدی آن‌ها شده‌است.
- مقاله «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تاکید بر رهیافت نیل رابینسون» نگاشته اعظم پویازاده و نرجس توکلی محمدی (۱۳۹۶) با بررسی

آخرین اثر رابینسون در زمینه پیوستگی آیات که به سوره آل عمران اختصاص دارد روش تحلیل گفتمان را نتیجه گرفته است.

- فتحیه فتاحی زاده و معصومه شیردل (۱۳۹۶) در مقاله «پژوهشی در تاریخ گذاری سوره مطففین (بر مبنای ادله نقلی و اجتهادی)» بر اساس ادله نقلی و اجتهادی مورد استناد در تاریخ گذاری سوره های قرآن نزول سوره مطففین را در پایان سور مکی و زمان نزول سوره را سال آخر بعثت و نزدیک به هجرت دانسته و ضوابط و خصائص این سوره را دلیل دیگری بر مکی بودن آن شمرده اند.

- مقاله «تبیین پیوستگی آیات سوره سبأ بر اساس روش نیل رابینسون» نوشته روح الله محمدعلی نژاد عمران (۱۳۹۹) با تحلیل امکان پیوستگی آیات سوره سبأ بر اساس مدل رابینسون رابطه تقارنی میان بخش های سوره را بر اساس ارتباط معنایی زیربخش ها به نمایش می گذارد.

- روح الله محمدعلی نژاد عمران و حسام امامی دانالو در مقاله ای با عنوان «تبیین پیوستگی آیات سوره علق بر اساس روش نیل رابینسون» (۱۳۹۹) به تحلیل پیوستگی آیات سوره علق و نقد محتوای اخبار در باب نزول قرآن کریم پرداخته اند.

- مقاله «مطالعه تطبیقی نظریه میشل کوپیرس و نیل رابینسون درباره مسئله نظم قرآن» به قلم حمید ایماندار و زهرا روستائی (۱۴۰۱) به تحلیل و تبیین تطبیقی الگوهای کوپیرس و رابینسون پرداخته اند.

- مقاله «تبیین پیوستگی آیات سوره حدید بر اساس مدل آینه ای نیل رابینسون» نوشته فرزاد دهقانی، مریم سخدری و محمد مصطفائی (۱۴۰۲) با روش تحلیل محتوا به کشف پیوستگی سوره حدید و ارائه ساختار متقارن و غرض سوره بر اساس مدل رابینسون پرداخته است.

- مهناز راحتی بلاباد، سوسن آل رسول و تهمنه پارسایی (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل ساختاری سوره اعراف بر اساس سیاق محوری آیات مربوط به داستان هود (ع) در اثبات پیوستگی متن قرآن (با استفاده از روش نیل رابینسون و تکمیل آن)» طبق الگوی رابینسون به تقسیم سوره پرداخته و سپس با افزودن معیار بخش بندی سیاقی و ارتباط معنایی، مناسبت آیات محوری و رابطه با غرض سوره در اثبات پیوستگی ساختاری سوره اعراف و تایید طرح رابینسون را نتیجه گرفته اند.

آن گونه که پیداست تا کنون تحلیل پیوستگی آیات سوره مطففین بر اساس مدل نیل رابینسون انجام نشده است و پژوهش حاضر از این منظر، دارای نوآوری است. این نوشتار بر آن است به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. پیوستگی آیات سوره مطففین چگونه با استفاده از مدل رابینسون اثبات می‌شود؟
۲. چه ارتباطی بین آیات سوره مطففین وجود دارد؟

تبیین مدل نیل رابینسون^۱

نیل رابینسون (متولد ۱۹۴۸ م) قرآن‌پژوه انگلیسی است که در مراکز دانشگاهی و پژوهشی متعددی به تدریس و پژوهش در حوزه مطالعات دینی و اسلامی پرداخته و آثار و مقالات متعددی نگاشته است. وی دارای مدرک کارشناسی‌ارشد الهیات (در حوزه تاریخ اصطلاحات و عبری کتاب مقدس) از دانشگاه آکسفورد انگلستان و دکتری تخصصی مطالعات عهد جدید از دانشگاه بیرمنگام است. رابینسون هم‌چنین دارای تحصیلات دانشگاهی در حوزه‌های پزشکی و ادبیات است و در سال ۱۹۸۳ موفق به کسب دیپلم زبان عربی از موسسه بورگوییای تونس شده‌است. در حوزه مطالعات اسلامی نیز در دانشگاه پاریس تحت نظر محمد آرکون دوره پژوهشی دکتری را در زمینه تفاسیر قرآنی به مدت یک سال گذرانده‌است.

کتاب تالیفی او عبارتند از: مسیح در اسلام و مسیحیت که در آن به معرفی حضرت عیسی علیه‌السلام از منظر اسلام و مسیحیت و تفاوت آن‌ها پرداخته‌است.؛ -گفتارهای محمد: ترجمه احادیثی از پیامبر (ص) در حوزه‌های مختلف زندگی است؛ درآمدی کوتاه بر اسلام؛ کشف قرآن^۲، رهیافتی معاصر به متنی پوشیده که مهم‌ترین اثر اوست و در آن، به معرفی دین اسلام در حوزه‌های مختلفی چون قرآن، پیامبر، مسلمانان، اعمال عبادی، توحید، شریعت و ... پرداخته است. این کتاب با مباحثی کلی درباره قرآن، اسلام، زندگی پیامبر و ... که متناسب با سطح عموم است آغاز می‌گردد سپس با طرح مطالبی تخصصی به‌ویژه پیوستگی متنی و ساختاری قرآن در سوره‌های مکی و مدنی و مباحث مرتبط با آن ادامه می‌یابد.

رابینسون با تکیه بر اعتبار ترتیب کنونی آیات و سوره و نیز گفتاری بودن متن قرآن و بر اساس روش تحلیل بلاغی^۳ و ساختار متقارن، پیوستگی آیات سوره‌های بروج و یاسین را به اختصار در کتاب کشف قرآن مورد بررسی قرار داده و در مقالاتی مستقل، ساختار معکوس سوره‌های مومنون و مائده را نشان داده است. (توکلی محمدی، ۱۳۹۶: ۱۸-۲۲)

«تحلیل بلاغی» که به آن نظریه نظم متقارن نیز گفته می‌شود، تبیین نظم متون را بر عهده دارد (فاضلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۴) و بر اساس آن، متن به سطوح مختلفی مانند جمله، مفصل، قسم و ... تقسیم شده سپس تناظر هر سطح با سطح دیگر نشان داده می‌شود. (مینت، ۲۰۰۴: ۱۲۳-۹۲)

¹ Neal Robinson

² Discovering the Qur'an: a contemporary approach to a veiled text

³ rhetorical analysis

تقارن در الگوهای زبانی، ویژگی زبان شناختی بسیاری از ساخت‌های قرآنی محسوب می‌شود (عبدالرئوف، ۱۳۸۶: ۳۵۲-۳۵۳) که تحلیل بلاغی با کاربرد ابزارها و روش خود، سه نوع ساختار متقارن را در متن نشان می‌دهد:

الف) توازی یا ساختار متوازی^۱: در این ساختار، زیربخش‌های قسمت نخست متن به همان ترتیب در قسمت دوم ظاهر می‌شوند. برای نمونه اگر متنی دارای دو قسمت اصلی و هر قسمت دارای سه بخش باشد که آن‌ها را به ترتیب با A، B و C نشان دهیم، ساختار دو بخشی کلان متن به همراه زیربخش‌ها به این صورت خواهد بود: A B C / A' B' C' (مینت، ۲۰۰۴: ۹۱-۹۳)

در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (نور/۲۱) نمونه قرآنی شکل متوازی، مطرح شده است. واژگان تبعیت، خطوات و شیطان، پشت سر هم به همان ترتیب نخست، تکرار گردیده است. (فاضلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۴)

ب) ساختار معکوس مرکزی یا حلقوی^۲: در این نوع ساختار، متن به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود. بخش اول و سوم به صورت معکوس با یکدیگر متناظرند و بخش دوم در وسط قرار می‌گیرد. در این حالت، بخش مرکزی مانند مرکز یک دایره دو بخش متناظر از اطراف آن را دربرمی‌گیرند. طرح کلی ساختار متن در این حالت چنین است: A B C / X / C' B' A' (بخش اول و سوم دارای سه قسمت هستند که به صورت متناظر و معکوس حول بخش مرکزی X گرد می‌آیند. به این ساختار، ترکیب دایره‌ای نیز می‌گویند که گاهی ساده و به صورت A/X/A' می‌باشد. (مینت، ۲۰۰۴: ۹۳-۹۱)

این ساختار در آیات ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ (قدر/۱-۳) دیده می‌شود که مفاصل طرّفینی، دو جمله خبری هستند که در میان آنان، یک جمله پرسشی آمده است. (فاضلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۴)

ج) ساختار آینه‌ای^۳ یا معکوس^۴: این ساختار، متشابه ساختار پیشین است با این تفاوت که در آن، بخش مرکزی X وجود ندارد. در این حالت، دو بخش اصلی متن و سه زیر بخش آن چنین چیده شده‌اند: A B C // C' B' A' (مینت، ۲۰۰۴: ۹۱-۹۳) این ساختار، پیش‌تر در علوم بلاغی با عنوان «لَفّ و نَشْر» شناخته می‌شده اما علمای بلاغت، هیچ‌گاه آن را در سطح یک سوره از قرآن به کار نگرفته بودند بلکه بیش‌تر در سطح یک یا چند جمله به آن توجه شده بود. (شاکر، ۱۳۹۸: ۱۷۰)

1. parallelism or parallel construction
2. Concentrism or concentric or ring composition
3. mirror composition
4. chiasmus

رابینسون، همین نظم متقارن را در ساختار سوره مائده نشان داده و از صنعت قلب یا تقارن ضربدری به عنوان یک ویژگی سبک‌شناختی و اصلی نظام‌یافته در متن قرآن یاد می‌کند. وی در بخش‌بندی سوره به شواهد لفظی توجه دارد و مبتنی بر شاخص‌هایی چون تکرار، تقارن‌های متن را آشکار می‌سازد. (شاکر و مکوند، ۱۳۹۴: ۱۴)

مواردی نظیر شباهت الفاظ به کار رفته در آغاز و پایان یک بخش؛ عبارت‌های منحصر به فرد در آیات آغازین و تکرار همان عبارات در آیات انتهایی یک بخش؛ تکرار یک کلمه یا عبارت کلیدی در یک بخش در حالی که در بخش‌های قبلی و بعدی چنین کلمه‌ای وجود ندارد (محمدعلی نژاد عمران، ۱۳۹۹: ۹۶) از جمله مواردی است که در بخش‌بندی سوره لحاظ می‌شود. سپس، ارتباط میان بخش‌های متوالی با کمک واژگان کلیدی قلاب‌دار^۱ مشخص می‌شود که به سه نوع تقسیم می‌شوند: اصطلاحی ویژه که در یک بخش به کار رفته، در انتهای بخش پیشین معرفی می‌شود؛ اصطلاح ویژه یک بخش در آغاز بخش بعدی تکرار می‌شود؛ هر دو نوع از تکرار وجود دارد. (رابینسون، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۸).

غیر از واژگان کلیدی قلاب‌دار، روش‌های دیگر برای ارتباط دو بخش وجود دارد که مهم‌ترین آن عبارت است از: (۱) شروع‌های یکسان دو بخش متوالی، که به آن‌ها مقدمه‌ها یا «شروع‌های موازی»^۲ یا مشابه گفته می‌شود؛ (۲) یکسان یا مشابه بودن آغاز بخش نخست با پایان بخش بعدی؛ (۳) ارتباط موضوعی بین دو بخش متوالی که می‌تواند از نوع توازی و تشابه یا تقابل و تضاد باشد. (شاکر، ۱۳۹۸: ۲۰۲)

سرانجام پس از بخش‌بندی سوره و بیان ارتباط بخش‌های متوالی، چنین توضیح می‌دهد که محتوای نخستین بخش سوره، منطبق بر محتوای آخرین بخش همان سوره است و همین‌طور، محتوای بخش دوم سوره، منطبق بر بخش یکی مانده به آخر و بخش‌های دیگر نیز چنین است (رابینسون، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۷۶) و بدین ترتیب، سطوح مختلف نظم معکوس در سوره را به نمایش می‌گذارد.

معرفی کوتاه سوره مطففین

سوره مطففین، که تطیف (طبرسی، ۱۴۲۵، ۲۶ / ۳۵۷) و «ویل للمطففین» نیز نامیده شده (ابن عاشور، ۱۹۹۷، ۱۸۷ / ۱۲) از نظر ترتیب نزول، ۸۶ امین سوره (رامیار، ۱۳۶۲: ۶۱۲؛ ابن عاشور، ۱۹۹۷، ۱۸۸ / ۱۲) و در مصحف موجود، ۸۳ امین سوره است (رامیار، ۱۳۶۲: ۶۱۲) و عدد آیات آن طبق روایت کوفیین، ۳۶ آیه می‌باشد. (معرفت، ۱۳۷۵: ۸۳؛ طبرسی، ۱۴۲۵، ۲۶ / ۵؛ ابن عاشور، ۱۹۹۷، ۱۸۸ / ۱۲)

^۱ hooked keywords

^۲ parallel introductions

درباره مکی یا مدنی بودن این سوره اختلاف است به گونه‌ای که گفته شده یا سراسر مکی است؛ یا سراسر مدنی است؛ یا شش آیه نخستش مدنی و بقیه مکی است؛ یا آیه ۱۳ یا هشت آیه پایانی، مکی و بقیه مدنی است یا این که این سوره در بین مکه و مدینه در سفر هجرت نازل شده است. (فتاحی زاده و شیردل، ۱۳۹۶: ۱۶۱)

مروری بر روش برخی قرآن پژوهان مسلمان در اثبات پیوستگی سوره مطفین

پیش از بررسی پیوستگی آیات سوره مطفین بر اساس مدل نیل رابینسون، ابتدا روش برخی مفسران مسلمان را که به گونه‌ای به مبحث تناسب و پیوستگی آیات نظر داشته‌اند، در باب این سوره بیان کرده، سپس با بخش‌بندی در نظر گرفته شده در این پژوهش مقایسه می‌کنیم.

فخر رازی در این سوره، آیات را به صورت ذیل جدا کرده و به تفسیر آن‌ها می‌پردازد: آیات ۱ تا ۳؛ آیات ۴ تا ۶؛ آیات ۷ تا ۱۷؛ آیات ۱۸ تا ۲۱؛ آیات ۲۲ تا ۲۸؛ آیات ۲۹ تا ۳۶. (فخر رازی، ۱۴۱۱، ۸۲-۹۲/۱۶)

سید قطب و سعید حوی، آیات این سوره را به ۴ دسته (آیات ۱-۶؛ آیات ۷-۱۷؛ آیات ۱۸-۲۸؛ آیات ۲۹-۳۶) تقسیم کرده‌اند (سیدقطب، ۱۳۹۱، ۴۹۹/۸-۵۱۳؛ حوی، ۱۴۰۹، ۶۴۲۳/۱۱) که با دسته‌بندی پژوهش حاضر، کاملاً منطبق است جز این که در پژوهش حاضر، آیات ۳۵ و ۳۶ جزء دسته چهارم قرار نمی‌گیرند و خود، آیات مستقلی هستند.

گرچه در ابتدای امر به نظر می‌رسد دسته‌بندی فخر رازی با سیدقطب و سعید حوی متفاوت است اما با کمی دقت متوجه می‌شویم میان آن‌ها شباهت وجود دارد، چرا که وی میان دو دسته ابتدایی پیوند برقرار می‌کند و دو دسته آیات (۱۸-۲۱) و (۲۲-۲۸) را نیز مربوط به «الابرار» می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۱۱، ۸۲/۱۶-۹۲)

دسته بندی علامه طبرسی در مجمع البیان، آلوسی در ۱۴۳۰، ۲۷۴/۱۰-۲۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۱، ۳۸۶-۳۸۰) تفسیر المیزان مشابه یکدیگر است و آیات را به دو دسته (آیات ۱-۱۷؛ آیات ۱۸-۳۶) تقسیم کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۲۵، ۲۸۹/۱۰-۲۹۱؛ آلوسی، ۱۴۳۰، ۲۷۴/۱۰-۲۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۱، ۳۸۶-۳۸۰) محمود بستانی در التفسیر البنائی این سوره را شامل ۳ مقطع (آیات ۱-۶؛ آیات ۷-۱۷؛ آیات ۱۸-۳۶) می‌داند. (بستانی، ۱۴۲۴، ۳۰۹-۳۰۰ / ۵)

مدل نیل رابینسون و سوره مطفین

سوره مطفین بر اساس الفاظ به کاررفته به ۴ بخش تقسیم می‌شود: آیات ۱ تا ۶؛ آیات ۷ تا ۱۷؛ آیات ۱۸ تا ۲۸؛ آیات ۲۹ تا ۳۶. بین بخش‌ها رابطه‌ای متقارن مشهود است، به طوری که بخش نخست با بخش چهارم و بخش دوم با بخش سوم متناظر است. دو آیه پایانی سوره، جزء بخش چهارم محسوب نمی‌شوند، با این حال اثبات خواهد شد که این دو آیه نیز ناظر به دو بخش میانی

سوره، یعنی بخش‌های دوم و سوم هستند و گونه‌ای دیگر از تقارن را در این سوره به نمایش می‌گذارند.

جدول زیر بخش‌های سوره مطفین و نیز موضوعات هر بخش را به نمایش می‌گذارد.

۱	A	آیات ۱ - ۶	هشدار به کم‌فروشان و توجه دادن به روز جزا
۲	B	آیات ۷ - ۱۷	عاقبت فجار در روز جزا
۳	B'	آیات ۱۸ - ۲۸	عاقبت ابرار در روز جزا
۴	A'	آیات ۲۹ - ۳۴	برخورد اجتماعی کفار با مومنان
	B''	آیه ۳۵	عاقبت ابرار در روز جزا
	A''	آیه ۳۶	پرسش استفهامی درباره ارتباط عاقبت کفار با اعمالشان

بخش بندی سوره مطفین

با توجه به نشانه‌های لفظی بیان شده در مدال نیل رابینسون به بخش‌بندی آیات سوره مطفین می‌پردازیم:

بخش یک: آیات ۱-۶

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ (۱) ﴿الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ﴾ (۲) ﴿وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ (۳) ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ﴾ (۴) ﴿يَوْمَ عَظِيمٍ﴾ (۵) ﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (۶) ﴿﴾

نشانه‌های لفظی موجود در این بخش عبارتند از:

۱. الفاظ تک کاربرد «اکتالوا» و «کالوهم» (روحانی، ۱۳۶۶، ۵۲۳/۱) و «المطفین» (همان، ۴۸۳/۱) به‌عنوان واژگان کلیدی می‌توانند مطرح باشند که بر اسلوب تاکید دلالت دارند. (فتاحی‌زاده و شیردل، ۱۳۹۶: ۱۷۴)

۲. نشانه لفظی که نشان می‌دهد این بخش در آیه ۶ پایان می‌یابد تکرار کلمه «یوم» در آیات ۵ و ۶ است که اشاره به روز قیامت دارد. (طبرسی، ۱۴۲۵، ۵/۲۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۱، ۲۰/۳۸۱)

ممکن است این سوال پیش آید از آن جایی که سوره مطفین با واژه «ویل» شروع می‌شود، چرا آیه ۱۰ که آن هم با عبارت «ویل» شروع می‌شود به عنوان قسمت پایانی این بخش در نظر گرفته نشده است؟ در پاسخ می‌توان گفت با در نظر گرفتن آیه ۶ به‌عنوان آیه پایانی، بخش نخست در اوج معادشناختی پایان می‌یابد (يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ)؛ دیگر این که با فرض در نظر گرفتن آیه ۱۰ به‌عنوان آیه پایانی، ساختار تقارنی در بخش دوم و سوم به هم می‌خورد زیرا

خواهیم دید در این دو بخش به توصیف «فَجَار» و «ابرار» پرداخته می‌شود که مقابل یکدیگر قرار دارند.

بخش دوم: آیات ۷ تا ۱۷

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينٍ (۷) وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ (۸) كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۹) وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰) الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۱۱) وَمَا يُكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲) إِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳) كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴) كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵) ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (۱۶) ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)﴾

نشانه‌های لفظی موجود در این بخش عبارتند از:

۱. واژه‌های مُكَذِّبِينَ ؛ يُكْذِبُونَ ؛ يُكْذِبُ و تُكْذِبُونَ که در سایر بخش‌های این سوره استفاده نشده‌است.
۳. تکرار واژه «سَجِّين» در دو آیه متوالی و نیز تکرار واژه «مرقوم» که هر کدام فقط دوبار آن‌هم در این سوره به کار رفته‌است. (روحانی، ۱۳۶۶، ۲/ ۸۴۷؛ ۳/ ۱۳۸۷)
۴. واژه‌های «یوم» و «یومئذ» که به ترتیب، یکبار و دوبار در این بخش به کار رفته‌است.
۵. اولین آیه این بخش با واژه «کَلَّا» شروع می‌شود که همین واژه، در آیات ۱۴ و ۱۵ یعنی در دو و سه آیه به آخر مانده نیز تکرار شده‌است.
۶. تکرار کلمه «کتاب» در آیات ابتدایی و سوم این بخش می‌تواند باعث ایجاد پیوستگی در آیات این بخش باشد.
۷. واژه «الفَجَار» که در آیه ابتدایی این بخش به کار رفته در سایر بخش‌ها مشاهده نمی‌شود.
۸. تکرار واژه «ثم» در ابتدای دو آیه پایانی این بخش، تکرار «أَنَّهُمْ» در آیات ۱۵ و ۱۶ و نیز محتوای معادشناختی ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكْذِبُونَ نشان‌دهنده اتمام این بخش در آیه ۱۷ می‌باشد.

بخش سوم: آیات ۱۸ تا ۲۸

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ (۱۸) وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ (۱۹) كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۲۰) يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱) إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲) عَلَى الْأَرْزَاقِ يُنْظَرُونَ (۲۳) تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴) يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵) خِتَامُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶) وَمَرَاجُءٌ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)﴾

نشانه‌های لفظی به کار رفته در این بخش عبارتند از:

۱. تکرار لفظ «ابرار» فقط در این بخش از سوره آن‌هم در آیه آغازین و پنجم آن.

۲. الفاظ تک کاربرد «علیین» و «علیون» (روحانی، ۱۳۶۶، ۳/ ۱۰۳۱)؛ «مختوم» و «ختامه» (همان: ۱۳۷۵؛ ۳/ ۱۳۶۲)؛ همان: ۶۹۶/۲؛ «قَلَّيْتَنَافْسٍ» و «الْمُتَنَافِسُونَ» (همان: ۱۳۶۲/۳)؛ «مِرَاجِه». (همان: ۳/ ۱۳۸۹) می‌توانند واژگان کلیدی این بخش محسوب شوند.
۳. تکرار واژه‌های «المقربون» در آیه چهارم و پایانی؛ «کتاب» در آیات ابتدایی و سوم و «نَعِيم» در آیه پنجم و هفتم این بخش

بخش چهارم: آیات ۲۹ تا ۳۴

﴿إِنَّ الَّذِينَ أٰجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹) وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰) وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱) وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَّالُّونَ (۳۲) وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳) فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)﴾

نشانه آغاز این بخش، تغییر نگاه در آیه ۲۹ سوره مطفین است چراکه در آیات قبلی، سخن از ابرار بود و در آیه مذکور، به رفتار «الذین اجرموا» در مقابل «الذین امنوا» اشاره می‌کند و این توصیف رفتار در آیات دوم، سوم، چهارم و پنجم این بخش با حرف عاطفه «واو» ادامه می‌یابد. (سیدقطب، ۱۳۹۱، ۸/ ۵۰۹؛ فخررازی، ۱۴۱۱، ۱۶/ ۹۲؛ حوی، ۱۴۰۹، ۱۱/ ۶۴۳۰؛ بستانی، ۱۴۲۴، ۵/ ۳۰۶)

در توضیح این که چرا آیه ۳۴ سوره مطفین را به عنوان آیه پایانی این بخش در نظر گرفته‌ایم، باید گفت اولاً: عبارت «الذین امنوا» و واژه‌های «من» و «یضحکون» در آیه ابتدایی این بخش نیز تکرار شده و شاهد به‌کارگیری نوعی از صنعت قلب هستیم و اگر آیه ۳۶ را به عنوان آیه پایانی این بخش در نظر بگیریم تقارن موجود در این بخش به هم می‌خورد؛ ثانیاً در آیات ۲۹ تا ۳۴، حضور هر دو گروه مجرمان و مومنان آشکار است اما دو آیه پایانی، هر کدام به‌طور جداگانه به سرنوشت یکی از این دو گروه در روز جزا اشاره کرده است: آیه ۳۵ به سرنوشت مومنان اشاره دارد، چنان‌که آلوسی (علی الارناک ینظرون) را حال، از فاعل یضحکون می‌داند و آن‌را اشاره به مشاهده احوال بد کفار در روز قیامت، توسط مومنان می‌داند. (آلوسی، ۱۴۳۰، ۱۰/ ۲۸۴؛ نیز نک: سید قطب، ۱۳۹۱، ۸/ ۵۱۱؛ فخر رازی، ۱۴۱۱، ۱۶/ ۹۳؛ بستانی، ۱۴۲۴، ۵/ ۳۰۷)؛ آیه ۳۶ نیز به سرنوشت مجرمان یا کفار اشاره دارد به‌طوری که آلوسی، آیه مذکور را بازخورد برخورد کافران با مومنان در دنیا می‌داند. (۱۴۳۰، ۱۰/ ۲۸۴؛ نیز نک: فخر رازی، ۱۴۱۱، ۱۶/ ۹۳؛ سید قطب، ۱۳۹۱، ۸/ ۵۱۱)

نشانه‌های لفظی موجود در این بخش: ۱. عبارت «وَ اِذَا» که در ابتدای آیات دوم، سوم و چهارم این بخش تکرار شده است؛ ۲. تکرار واژه «یضحکون» در آیات ابتدایی و انتهایی این بخش؛ ۳. به کارگیری نوعی صنعت قلب در آیه ابتدایی و انتهایی آن به گونه‌ای که فعل «یضحکون» در انتهای هر دو آیه دیده می‌شود. در آیه ابتدایی بخش، عبارت «الذین اجرموا» مقدم بر «الذین امنوا» آمده و

در آیه پایانی این بخش، بر عکس شده و عبارت «الذین امنوا» در ابتدای آیه ذکر شده و سپس «الکفار» آمده است. حرف اضافه «مِن» نیز در میانه هر دو آیه ذکر شده است.

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

فَأَلْوَمُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

این که چرا در آیه ۲۹، در مقابل «الذین امنوا»، «الذین اجرموا» ذکر شده و در آیه ۳۹، در مقابل «الذین امنوا»، «الکفار» قرار دارند، بیان علامه طباطبایی روشنتر است که ذیل آیه ۲۹ ام می گوید: از سیاق، چنین به دست می آید که مراد از جمله (الذین امنوا)، همان ابرار باشند، که در این آیات، مورد گفتارند و اگر این طور تعبیر کرد، برای این بود که بفهماند علت خندیدن کفار به ابرار و استهزاء کردن آنان، تنها ایمان آنان بود، همچنان که تعبیر از کفار به جمله «الذین اجرموا»، برای این بوده که بفهماند علت مسخره کردن کفار، مسلمانان ابرار را این بود که مجرم بودند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۵۵/۲۰، بیان علامه طبرسی که «الذین اجرموا» را کفار قریش مانند ابوجهل و ولیدبن مغیره و عاص بن وائل و اصحاب ایشان می داند که مرتکب جرائم شدند (۱۴۲۵، ۲۹۸/۵) و نیز ابن عاشور که بزرگترین جرم را کفر می داند نیز موید این مطلب است. (۱۹۹۷، ۱۲/۲۱۰)

هم چنین با دقت در سایر آیات قرآن شاهد کاربرد «اجرموا» (روحانی، ۱۳۶۶، ۶۴/۱) در مقابل ایمان آورندگان (سوره انعام: آیه ۱۲۴؛ سوره روم: آیه ۴۷) و نیز همنشینی سایر مشتقات ریشه «ج ر م» با مشتقات ریشه «ک ف ر» هستیم که تایید دیگری بر این مطلب است. (توبه: آیه ۶۶)

آیات ۳۵ و ۳۶ ام جزء بخش چهارم و پایانی نیستند اما هر یک از این آیات با دو بخش میانی این سوره یعنی بخش های دوم و سوم، در ارتباط هستند که توضیحات مفصل تر داده خواهد شد.

ارتباط میان بخش های همجوار

هر بخش از سوره مطففین با بخش قبل و بعد از آن مرتبط است و این ارتباط به گونه ای لفظی و معنوی نمایان می شود.

ارتباط بخش نخست با بخش دوم

از طریق نوع اول از واژگان کلیدی قلاب دار ارتباط این دو بخش میسر می شود به گونه ای که دو آیه انتهایی بخش نخست، در تحلیل علت کم فروشی، به عدم اعتقاد آنان به روز برانگیخته شدن انسان ها اشاره می کند و از این واقعه بزرگ، دو مرتبه با عبارات «یوم عظیم» و «یوم یقوم الناس» یاد می کند (فخر رازی، ۱۴۱۱، ۱۶/۸۳-۸۲؛ ابن عاشور، ۱۹۹۷، ۱۲/۱۹۲؛ سیدقطب، ۱۳۹۱، ۴۹۹/۸) که این مهم، در بخش دوم جدی تر دنبال می شود؛ در این بخش، خداوند ۳ بار به صورت مستقیم و ۱ بار نیز غیر مستقیم به موضوع روز جزا اشاره می کند (۲ بار لفظ «یومئذ» و ۱ بار با عبارت «یوم للذین»).

هم‌چنین، آیه ابتدایی بخش اول با کلمه «وَيْلٌ» شروع می‌شود که این واژه در آیه چهارم از بخش دوم «آیه ۱۰» نیز تکرار می‌شود.

ارتباط بخش دوم با بخش سوم

میان این دو بخش ارتباط موضوعی از نوع تقابل و تضاد (فجار و ابرار) برقرار است. تکرار عبارات «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ»، «لَفِي»، «وَمَا أَدْرَاكَ مَا» و «كِتَابٌ مَّرْقُومٌ» در ابتدای هر دو بخش با عنوان «مقدمه‌ها یا شروع‌های موازی یا مشابه» متناظر بودن این دو بخش را می‌رساند. از طرفی توالی واژگانی دو عبارت «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ» و «كِتَابٌ مَّرْقُومٌ» به جز این سوره، در هیچ کجای دیگر قرآن یافت نمی‌شود.

ارتباط بخش سوم با بخش چهارم

اصطلاح ویژه بخش سوم، لفظ «الابرار» است که ۲ بار تکرار شده و از آن، با عبارت «الذین امنوا» در آیه ابتدایی بخش چهارم یاد شده است. واژه «الابرار» در آیات قرآن همواره با «ایمان» همراه شده است. ادر واقع، ابرار را دارای مرتبه عالی‌های از ایمان هستند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۳/۶۵۲-۶۵۳) که از جهت عقل عملی، ایمان دارند و دارای اخلاق و ملکات حسنه اند. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ۱۸/۶۹۷)

ارتباط بخش چهارم با آیات ۳۵ و ۳۶

در رابطه با پیوند آیه ۳۵ با آخرین بخش سوره، گرچه نشانه لفظی آشکاری وجود ندارد اما پیوند معنایی میان گروه «الابرار» و «الذین امنوا» وجود دارد که به‌طور ضمنی می‌تواند به ارتباط «علی الارائک ینظرون» و بخش چهارم سوره اشاره داشته باشد. ابن عاشور مفعول «ینظرون» را محذوف دانسته و قول خداوند در «من الکفار یضحکون» را دلالت بر آن می‌داند و منظور از «ینظرون» را مشاهده مشرکین در عذاب می‌داند (۱۹۹۷، ۱۲/۲۱۵). نشانه لفظی آشکار، در بیان رابطه آیه پایانی سوره با بخش چهارم، نیز لفظ «الکفار» است که در آیه پایانی بخش چهارم نیز ذکر شده است. باب ارتباط موضوعی آیه مذکور با این بخش می‌توان به بیان علامه طبرسی در مجمع البیان استناد کرد که این آیه را در یادکرد آن چه کفار در دنیا با مومنان از روی مسخره و استهزاء می‌کردند، بیان می‌کند. (۱۴۲۵، ۵/۲۹۹) ابن عاشور نیز این آیه را حکایت از تعدی مشرکین بر مومنین می‌داند که در روز قیامت بر مشرکین مترتب می‌شود. (۱۹۹۷، ۱۲/۲۱۵)

^۱ سوره بقره: آیه ۱۷۷؛ سوره آل عمران: آیه ۱۹۳؛ آل عمران: آیه ۱۹۸؛ سوره انسان: آیه ۵؛ سوره انفطار: آیه ۱۳؛ سوره

ارتباط آیات ۳۵ و ۳۶ با بخش های سوم و دوم

آیه ۳۵، عینا و بدون هیچ گونه تغییری در بخش سوم به کار رفته که نشان از پیوند و تناسب واضحی دارد. درباره ارتباط آیه پایانی با بخش دوم گرچه از نظر واژگانی و بر طبق مدل نیل رابینسون نمی توان دلیلی بر آن ارائه داد اما با کمی درنگ و تأمل، می توان به پیوند معنایی میان «الفجار» و «الکفار» پی برد؛ اول این که: اساطیرالاولین خواندن آیات قرآن که از ویژگی های «فجار» برشمرده شده در چند آیه از قرآن با عبات «الذین کفروا» همراه شده^۱؛ دوم این که: تکذیب آیات الهی نیز که به عنوان خصیصه فجار شمرده شده، در آیات دیگری از قرآن کریم به عنوان یکی از نشانه های کافران به آن اشاره شده؛ سوم اینکه: در جایی از قرآن، «ابرار» در مقابل «کافرین»^۲ قرار دارند و در این سوره در مقابل «فجار» ذکر شده اند. از طرفی سخن علامه طباطبایی در المیزان نیز که منظور از مطففین را کفار کم فروش می داند مظهر تایید دیگری بر این مطلب است (۱۳۹۱، ۲۰/۱۱۹).

آیه پایانی، علاوه بر این که با بخش چهارم و دوم ارتباط دارد، از نظر معنایی با بخش نخست نیز ارتباط دارد، چراکه خداوند در این آیه با عبارتی پرسشی، سرنوشت کافران در روز قیامت را بیان می کند و در بخش نخست سوره با پرسشی تعجبی، روز بزرگ (قیامت) را یادآوری می کند و به نوعی اشاره می کند که در واقع «مطففین» یاد شده در بخش نخست سوره، همان «الکفار» ذکر شده در آیه پایانی سوره هستند. از طرفی پیوستگی معنایی آیه ۳۶ با بخش سوم و آیه ۳۵ نیز از نوع تقابل و تضاد می باشد. با این وجود می توان گفت آیه پایانی سوره به صورت لفظی و معنایی با تمام بخش های سوره ارتباط دارد. ابن عاشور این آیه را براعتی نیکو می داند که مشتمل بر تمام سوره است (۱۹۹۷، ۱۱۲/۲۱۶).

نظم معکوس در سوره مطففین

یکی از مهم ترین مبانی رابینسون در زمینه اثبات پیوستگی متن و ساختار قرآن کریم، پیش فرض گرفتن وجود ساختار معکوس^۴ یا متقارن^۵ در سوره های قرآنی است. (توکی محمدی، ۱۳۹۶: ۷۸) تلقی وجود ساختار معکوس و متقاطع در متون، ریشه در نظریه بلاغت سامی و تحلیل بلاغی متون، به ویژه متون مقدس دارد. در این نظریه هر متنی دارای ساختار چندبخشی است که دارای تناظر

۱ سوره انعام: آیه ۲۵؛ سوره انفال: آیات ۳۰-۳۱؛ سوره فرقان: آیات ۴-۵

۲ سوره انعام: آیات ۷-۱۱

۳ سوره انسان: آیات ۴-۵

⁴ chiasmus

⁵ symmetry

یک به یک با یکدیگرند (مینت، ۲۰۰۴: ۹۱-۹۳). بخش‌های این سوره به صورت عکس با هم مرتبط هستند و نیز بین دو آیه پایانی سوره و بخش‌های میانی رابطه تقارنی وجود دارد. علاوه بر این صنعت قلب را می‌توان در سطح یک بخش و نیز در سطح بخش‌های همجوار ملاحظه کرد.

صنعت قلب و تقارن در سطح آیات

در بخش دوم سوره، آیات **وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾** **الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾** صنعت قلب را در شکل دوتایی به نمایش می‌گذارند. در آیه ۱۰ ابتدا «یومئذ» آمده که اشاره به روز قیامت دارد و سپس «مکذبین» ذکر شده و در آیه بعدی ابتدا «یکذیبون» آمده و سپس «یوم الدین».

صنعت قلب و تقارن در سطح بخش

آیه ابتدایی و انتهایی بخش چهارم سوره به نوعی صنعت قلب را به نمایش می‌گذارند که توضیح آن قبلاً داده شد: **إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَصْحَكُونَ - فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَصْحَكُونَ**

شواهد واژگانی برای صنعت قلب در ساختار کلان

بخش‌های سوره، دو به دو با هم متقارن هستند. از داخل که به بیرون بیاییم بخش دوم با بخش سوم و بخش اول با بخش چهارم با یکدیگر متقارنند.

تقارن بین بخش‌های نخست و چهارم

بخش نخست با بخش چهارم سوره به مثابه A با A' متناظر است. آیه ابتدایی بخش اول با هشدار به مطفین شروع می‌شود و بعد از توصیف آنان با پرسشی استفهامی، از روز جزا نام می‌برد. در آیه ابتدایی بخش چهارم نیز با عبارت «ان الذین اجرموا» آغاز می‌شود که به نوعی برگشت به همان کم‌فروشان «مطفین» در بخش اول است. از طرفی آیه پایانی بخش نخست، از روز جزا یاد می‌کند که آیه پایانی بخش چهارم نیز اشاره به برخورد اهل ایمان با کافران در روز جزا دارد. نیز از واژه مطلق «الناس» استفاده می‌کند که می‌تولند هر دو گروه «ابرار» یا «الذین امنوا» و «فجار» یا همان «الکفار» را شامل شود.

تقارن بین بخش‌های دوم و سوم

بخش دوم با بخش سوم به مانند B با B' متناظر است. تناظر میان این بخش‌ها بسیار چشمگیر است، زیرا در هر دو بخش، عباراتی یافت می‌شوند که در سایر آیات قرآن مشاهده نمی‌کنیم: **كَلَّا**

إِنَّ كِتَابَ (آیات ۷ و ۱۸)؛ كِتَابٌ مَرْقُومٌ (آیات ۹ و ۲۰) تقارن دو آیه پایانی سوره نیز با هر یک از بخش‌های میانی سوره نیز توضیح داده شد.

نکات پایانی

- تقارن در تعداد آیات بخش‌های متناظر نیز وجود دارد؛ بخش‌های دوم و سوم هر یک شامل ۱۱ آیه و بخش‌های اول و چهارم هر یک دارای ۶ آیه می باشند.
- تکرار کلمه کلیدی «یوم» در سه بخش سوره می‌تواند بیانگر موضوع و محور اصلی سوره باشد. تنها در بخش سوم این واژه ذکر نشده که شاید دلیل آن، اعتقاد به روز جزا در ابرار باشد.

مکی بودن سوره مطفین با تکیه بر مدل نیل رابینسون

یکی از اقوال مطرح شده درباره سوره مطفین این است که برخی آیات آن مکی و مابقی مدنی است؛ چنان‌که علامه طبرسی که خود بر مکی بودن این سوره نظر دارد دو قول را نقل می‌کند و می‌گوید: معدّل از قول حسن و ضحاک و عکرمة گوید که مدنی است؛ ابن عباس و قتاده گفته اند مدنی است مگر هشت آیه از آن که آیه «ان الذین اجرموا..» تا آخر سوره است (طبرسی، ۱۴۲۵، ۲۸۹/۵) و علامه طباطبایی نیز با اشاره به این‌که آیات اول این سوره، از مطفین سخن می‌گوید، معتقد است از نظر سیاق، با آیات مدنی مطابقت دارد و آیات پایانی آن با سیاق سوره‌های مکی مناسبتر است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۴۰/۱۱۲) اما اغلب روایات موثق در ترتیب نزول، بر نزول آن در مکه دلالت دارند. هم‌چنین با توجه به تاریخ هجرت و فاصله میان آن واقعه تا سرآغاز تقویم هجری، می‌توان زمان نزول این سوره را سال آخر بعثت و نزدیک به هجرت در نظر گرفت. به علاوه ضوابط و خصائص این سوره نیز موید مکی بودن آن است. منظور از ضوابط در این اصطلاح، مواردی است که به خصوصیات الفاظ وابسته است و منظور از ممیزات و خصائص، اموری است که به خصوصیات اسلوب، معانی و اغراض سوره مرتبط می‌شود. (فتاحی زاده و شیردل، ۱۳۹۶: ۱۵۷-۱۷۳؛ اقبال، صادقی و خیراندیش، ۱۳۹۴: ۱۳۹-۱۵۳)

با اثبات پیوستگی آیات سوره مطفین بر اساس مدل آینه ای نیل رابینسون، بر مکی بودن سوره تاکید بیش‌تری می‌شود که این مهم از دو طریق امکان پذیر می‌شود:

۱. تبیین پیوند موجود بین تمام آیات سوره مطفین، نظرات مبنی بر مدنی بودن قسمتی از آیات را از اعتبار می‌لن‌دازد و مکی بودن تمام آیات را تقویت می‌کند چرا که موضوع عدم هم‌خوانی و عدم پیوستگی و ربط بین آیات سوره مطفین منتفی است و تمام آیات این سوره از ابتدا تا انتها در پیوندی لفظی و معنادار با یکدیگر هستند.

۲. برخی نشانه‌های لفظی مورد تاکید در مدل رابینسون، جزء ضوابط و خصائص سوره‌های مکی نیز محسوب می‌شود که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) هر سوره‌ای که در آن واژه کلاً به کار رفته، مکی است (زرکشی، ۱۴۱۵ ق. ۲۷۵/۱؛ سیوطی، بی‌تا، ۸۷/۱؛ زرقانی، ۱۴۰۸ ق. ۱۹۶/۱-۱۹۷) که سوره مطففین نیز ۴ بار به کار رفته (المطففین/ ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۷) و از نشانه‌های لفظی در تعیین حدود بخش‌های دوم و سوم سوره، بر اساس مدل رابینسون نیز می‌باشد.

ب) کلماتی نظیر «ویل» «ما ادراک» و «لا اقسام» بر مکی بودن سوره دلالت می‌کند (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۲۲-۱۲۱) که واژه «ویل» ۲ بار (المطففین/ ۱، ۱۰)، و «ما ادراک» ۲ بار (المطففین/ ۸، ۱۹) به کار رفته است. بر اساس مدل رابینسون نیز، واژه «ویل» به عنوان نشانه لفظی در پیوند دو بخش نخست و دوم سوره در نظر گرفته می‌شود و می‌توان گفت با برقراری پیوند میان این دو بخش، مکی بودن آیات نخست سوره نیز تقویت می‌شود و اقوال موجود در رابطه با مدنی بودن آیات ابتدایی سوره را تضعیف می‌کند. از طرفی عبارت «ما ادراک» طبق نشانه‌های لفظی یادشده در مدل رابینسون، در پیوند بخش‌های دوم و سوم این سوره نقش دارد و پیوستگی آیات آن را تقویت می‌کند.

ج) ترکیبات تاکیدی و تثبیت معنا از جمله خصائص اسلوبی سور مکی است (حسین احمد، ۱۴۲۰ ق. ۱۶۸/۱) که در این سوره می‌توان به مواردی نظیر «کلاً»، «المطففین»، «سجین»، «علیون»، «رحیق مختوم»، «تسنیم»، «معدن اثم» و «کتاب مرقوم» اشاره کرد که اغلب از کلمات تک کاربرد قرآن می‌باشد و در مدل رابینسون با عنوان «تکرار واژگان کمیاب» در برقراری ارتباط میان بخش‌ها و نیز بخش‌بندی سوره‌ها، کاربرد دارد. (رابینسون، ۱۳۹۱/۱۶۷؛ رابینسون، ۱۳۹۰/۲۵)

نتیجه‌گیری

می‌توان سوره مطففین را بر اساس قواعد مدل نیل رابینسون به ۴ بخش تقسیم نمود که هر بخش، با بخش‌های قبل و بعد از خود دارای پیوستگی است. بخش‌بندی در نظر گرفته شده در سوره مطففین بر پایه مدل رابینسون، با دسته‌بندی برخی قرآن‌پژوهان از جمله سید قطب و سعید حوی، شباهت زیادی دارد و بیانگر این نکته است که گرچه آنان اصول و قواعدی را پیوستگی آیات قرآن بیان نکرده‌اند اما به طور ذهنی به مواردی نظر داشته‌اند.

با وجود مقدمه‌های یکسان و موازی و نشانه‌های لفظی در بخش‌های میانی سوره، به وضوح میان آنها تقارن دیده می‌شود، اما تقارن میان بخش‌های نخست و چهارم به‌سختی از طریق نشانه‌های لفظی یادشده در مدل نیل رابینسون برقرار می‌شود و بیشتر از طریق پیوندهای معنایی قابل دستیابی است. دو آیه پایانی سوره، گرچه در بخش‌بندی‌های در نظر گرفته شده نیستند، اما علاوه بر این که با بخش پایانی سوره مرتبط هستند، با بخش‌های میانی سوره (دوم و سوم) در پیوند

هستند به گونه‌ای که آیه ۳۵ با بخش سوم و آیه ۳۶ با بخش دوم سوره متصل هستند. آیه پایانی سوره به صورت لفظی و بیش تر از طریق معنایی با تمام بخش‌های سوره و نیز آیه ۳۵ سوره ارتباط دارد.

در برخی موارد، کارآمدی مدل نیل رابینسون در بیان پیوستگی بخش‌ها، با توجه به تأکید بر نشانه‌های لفظی، تضعیف می‌شود؛ به گونه‌ای که یافتن نشانه‌های لفظی یاد شده وی در بیان پیوند بخش‌های سوره و دست یافتن به تقارن در سطح کلی سوره، در برخی موارد به سختی و گاه ناممکن است و تنها از طریق پیوند معنایی می‌توان به رابطه‌های موجود پی برد. با اثبات پیوستگی آیات سوره مطفقین بر اساس مدل رابینسون، از دو طریق، مکی بودن سوره تقویت می‌شود: ۱. تبیین پیوند موجود بین تمام آیات این سوره، دیدگاه مدنی بودن قسمتی از سوره را از اعتبار می‌اندازد؛ ۲. برخی نشانه‌های لفظی مورد تأکید در مدل رابینسون، جزء ضوابط و ویژگی‌های سوره‌های مکی نیز هست.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۹۹۷). *تفسیر التحرير والتنوير* (المجلد الثانی عشر). دار سخنون.
- اقبال، ابراهیم، صادقی، عماد، و خیراندیش، ابودر. (۱۳۹۴). تاریخ گذاری سوره مطفقین (موردپژوهی مکی یا مدنی بودن سوره مطفقین و نقش آن در تفسیر). *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۶(۲۳)، ۱۳۹-۱۶۶.
- <https://doi.org/10.22054/rjqk.2015.5410>
- آلوسی، محمودبن عبدالله. (۱۴۳۰). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی* (علی عبدالباری عطیه، محقق). (المجلد العاشر، الطبعة الثالثة). دارالکتب العلمیه.
- بستانی، محمود. (۱۴۲۴). *التفسیر البنائی للقرآن الکریم* (ج ۵، چاپ اول). بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- توکلی محمدی، نرجس. (۱۳۹۶). *تحلیل انتقادی مبانی و روش نیل رابینسون در باب پیوستگی متن (تناسب) قرآن کریم* (رساله دکتری). دانشگاه تهران.
- توکلی محمدی، نرجس، و پویازاده، اعظم. (۱۳۹۶). واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تأکید بر رهیافت نیل رابینسون. *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، ۱(۴)، ۲۵-۵۴.
- https://quranicstudies.ihcs.ac.ir/article_3046.html
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم* (ج ۱۸). اسراء.
- حسین‌احمد، عبدالرزاق. (۱۴۲۰). *المکی و المدنی فی القرآن الکریم*. دار ابن عفان.
- حوی، سعید. (۱۴۰۹). *الاساس فی التفسیر* (المجلد الحادی عشر، الطبعة الثانية). دارالسلام.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه* (ج ۴). دانشگاه تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا.

دهقانی، فرزاد، سخدری، مریم، و مصطفایی، محمد. (۱۴۰۲). تبیین پیوستگی آیات سوره حدید بر اساس مدال آیینی ای نیل رابینسون. پژوهش‌های قرآنی، ۲۸(۱۰۶)، ۶۹-۹۲.

[10.22081/jqr.2023.63668.3509](https://doi.org/10.22081/jqr.2023.63668.3509)

رابینسون، نیل. (۱۳۹۰). ساختار و تفسیر سوره مومنون (أبوالفضل حری، مترجم). حسنا، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، ۲(۸)، ۱۶-۴۶. <http://noo.rs/sVDky>

رابینسون، نیل. (۱۳۹۱). داستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده (محمدکاظم شاکر و انسیه عسگری، مترجمان). پژوهش‌های قرآنی، ۱۸(۶۹)، ۱۵۶-۱۹۰. https://jqr.isca.ac.ir/article_3345.html

راحتی بلاباد، مهناز، آل‌رسول، سوسن، و پارسایی، تهمنه. (۱۴۰۲). تحلیل ساختاری سوره اعراف بر اساس سیاق محوری آیات مربوط به داستان هود (ع) در اثبات پیوستگی متن قرآن با استفاده از روش نیل رابینسون و تکمیل آن. نشریه قرآن‌شناخت، ۱۶(۱)، ۵۹-۷۸.

<https://qoranshenakht.nashriyat.ir/node/291>

رامیار، محمود. (۱۳۶۲). تاریخ قرآن (چاپ اول). امیرکبیر.

رضایی هفتادار، حسن، و زاهدی فر، سیفعلی. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی پژوهش نیل‌رابینسون درباره دجال. انتظار موعود، ۱۵(۵۱)، ۷-۱۸. https://www.entizar.ir/article_75343.html

روحانی، محمود. (۱۳۶۶). المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم: فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم. آستان قدس رضوی.

روستایی، زهرا، و ایماندار، حمید. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی نظریه میشل کوپرس و نیل‌رابینسون درباره مسئله نظم قرآن. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۱(۲)، ۱۲۷-۱۴۶.

[10.221108/nrgs.2023.135375.1820](https://doi.org/10.221108/nrgs.2023.135375.1820)

زرقانی، عبدالعظیم. (۱۴۰۸). مناهل العرفان فی علوم القرآن. دارالفکر.

سیوطی، جلال‌الدین. (د. ت.). الاتقان فی علوم القرآن (محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق). منشورات رضی. شاکر، محمدکاظم. (۱۳۹۸). رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم (چاپ اول). انتشارات جامعه علامه طباطبایی. شهریار، نسب، سروش، علیزاده منامن، عیسی، و دهقانی، فرزاد. (۱۳۹۷). زبان‌شناسی در خدمت نظم قرآن (چاپ اول). انتشارات عاصم.

صانعی پور، محمدحسن، و لطفی، سیدمهدی. (۱۳۹۵). پیوستگی متن قرآن کریم (چاپ اول). جامعه الإمام صادق.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳). ترجمه تفسیر المیزان (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). دفترانتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۱). المیزان فی تفسیر القرآن. موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۲۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. موسسه الاعلمی للمطبوعات.

عبدالرئوف، حسین، و حری، ابوالفضل. (۱۳۸۶). سازگان زبان شناختی قرآن. زیبا شناخت، ۱۷(۱)، ۳۴۵-۳۷۰.

<https://tinyurl.com/3c3e7h8y>

عبدالرئوف، حسین، و میر، مستنصر. (۱۳۹۰). مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی (أبوالفضل حری، مترجم). نیلوفر.

فاضلی، حمیدرضا، دهقان منگلابادی، بمانعلی، زارع زردینی، أحمد، و حیدری مزرعه آخوند، محمدعلی. (۱۴۰۱). بازخوانی انسجام ساختاری قرآن کریم در پرتو نظریه نظم متقارن از دیدگاه ریموند فرین

(مطالعه موردی سوره بقره). *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ۱۰(۴)، ۱-۲۲.

[20.1001.1.23452234.1402.10.4.1.0](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1402.10.4.1.0)

فتاحی زاده، فتحیه، و شیردل، معصومه. (۱۳۹۶). پژوهشی در تاریخ گذاری سوره «مطففین» (بر مبنای ادله نقلی و اجتهادی). *فصلنامه مطالعات قرآنی*، ۸(۲۹)، ۱۵۷-۱۷۹.

<https://sanad.iau.ir/journal/qsf/Article/655061?jid=655061>

فتح الهی، ابراهیم. (۱۳۸۹). *متدولوژی علوم قرآن*. جامعه الإمام صادق.

فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۱۱). *التفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب*. دارالکتب العلمیه.

قائم‌نیا، علیرضا. (۱۴۰۱). *معناشناسی ۱ (چاپ چهارم)*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

قطب، سید. (۱۳۹۱). *فی ظلال القرآن (الطبعة السابعة)*. دار احیاء التراث العربی.

ماتیوز، پیترهیوگو. (۱۳۸۹). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی ساختگرا (راجله گندمکار، مترجم)*. قطره.

محمدعلی نژاد عمران، روح الله، و امامی دانالو، حسام. (۱۳۹۹). تبیین پیوستگی

آیات سوره علق بر اساس روش نیل رابینسون. *علم زبان*، ۷(۱۲)، ۲۷۹-۳۰۲.

<https://doi.org/10.22054/ls.2019.42339.1224>

معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۵). *تاریخ قرآن*. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

مکوند، محمود، و شاکر، محمدکاظم. (۱۳۹۴). بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن (با

تأکید بر دیدگاه میشل کوپپرس). *پژوهش‌های قرآنی*، ۲۰(۷۶)، ۴-۳۵.

https://jqr.isca.ac.ir/article_906.html

میر، مستنصر. (۱۳۸۷). *ادبیات قرآن (مجموعه مقالات)* (محمدحسن محمدی مظفر، مترجم). جامعه ادیان و

مذاهب.

مینت، رونالد و دیگران. (۲۰۰۴). *طریقه التحلیل البلاغی و التفسیر: تحلیلات نصوص من الكتاب المقدس و*

من الحدیث النبوی الشریف. دارالمشرق.

نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*. نشر هستی نما.